

خانم "یدا اسکاچپول" استاد دانشگاه هاروارد آمریکا در ابتدا معتقد بود که "انقلاب‌های اجتماعی در جوامع با اقتصاد کشاورزی و ساختار روستایی که دارای حکومتی ناکارآمد و مستبد باشند، به وقوع می‌پیوندد." این در حالی است که ایران در زمان انقلاب کشوری با درآمد سرشار نفتی بود و مسیر توسعه را شروع کرده و در حین اقتصادی، کشاورزی اهمیت خود را از دست داده بود. از سوی دیگر انقلاب ایران بیشتر از آن که روستایی و دهقان باشد، متکی به گروه‌ها و اصناف مختلف شهری بود، چرا که اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ ساختار روستاهای ایران را دگرگون کرده بود. او نظریه خود را اصلاح کرد و به "نقش

اراده و آگاهی وایدیولوژی مذهبی و رهبری مذهبی در چارچوب شرایط ساختاری مساعد کننده انقلاب تأکید می‌کند." این شرایط را در "تغییرات اقتصادی و اجتماعی و نو سازی سریع در جامعه ایران می‌داند که با افزایش یکباره قیمت نفت شکل گرفت و به عدم هماهنگی ساختار سیاسی و فرهنگی جامعه با این تغییر به شتاب های اجتماعی دامن زد و باعث ایجاد نا هماهنگی ساختار سیاسی و ناهنجاری و نا آرامی در اجتماع، یاس، از خود بیگانگی اجتماعی و مجز و ناتوانی فرآیند در مقابل شتاب و تغییرات و تحولات شد.

"میشل فوکو" جامعه‌شناس فرانسوی نیز معتقد است که رشد سریع اقتصادی و نو سازی در ایران، از بسیاری از طبقات و گروه‌های اجتماعی، هویت زدایی کرده بود و آنها انقلاب کردند تا به هویت گمشده خود در اسلام و روح انقلابی شیعه و نفی مدرنیته بپردازند، البته فوکو فساد حاکمان، اعطای امتیازات اقتصادی به وابستگان رژیم، تبعیض و ماهیت استبدادی رژیم شاه را نیز از عوامل رونگردانی مردم از رژیم شاه می‌داند.

انظر "جان فوران" از امیرکبیر نقش فرهنگ تشیع و ایدئولوژی اسلامی در انقلاب ایران اهمیت فوق العاده داشته است.

"زونیس" علت سقوط حکومت محمد رضا پهلوی را در شخصیت خودکامه و اقتدارگرانه شاه می داند. و عدم مشارکت طبقات و گروه های مختلف اجتماعی در قدرت، سرکوب شدید منتقدان و مخالفان، عدم اصلاح استبداد در حکومت را درین جهت رسیدن حکومت شاه موثر می داند.

"جیمز دیویس" نیز فاصله طبقاتی شدید بین عده کم بسیار برخوردار و جمعیت کثیر محروم را علت فروپاشی رژیم پهلوی می داند.  
نکاتی در مورد مفهوم انقلاب

انقلاب، تغییری ناگهانی، گاه خشونت بار و خونین با هدف نظام سیاسی جدیدی را ایجاد کردن است. برای هر انقلاب چند صفت می توان ارائه کرد:

- ۱- فرایند مقدماتی از هم پاشیدگی ساختارهای اجتماعی و سیاسی در جهت از بین رفتن تدریجی نظم اجتماعی پیش از انقلاب رخ می دهد.
- ۲- هدف انقلابیون جایگزین کردن ساختارهای موجود با ساخت های جدید است. و به دنبال تغییر صد درصدی و ایجاد مدل دیگری از حکومت و شیوه زندگی هستند.
- ۳- انقلاب ب یک تنش بزرگ است که از قبل وجود داشته و در آن معمولاً خشونت به اوج می رسد. نیروهای جدید سازمان می یابند و نظم کهن متزلزل می شود.
- ۴- تغییر در قانون اساسی و حکومت در انقلاب ها وجود دارد. در انقلاب با فداکاری و مبارزه وجود دارد.
- ۵- گاه اهداف انقلاب ها صرفاً ملی نیستند و ایده های بشری و جهان شمول دارند.

شرایط اقتصادی :

فرانسه : در زمان انقلاب در بدترین شرایط اقتصادی قرار داشت . از نگاه سال قبل از انقلاب گریبانگیر مشکلات و بحران های مالی و اقتصادی فراوانی بود . استعراض های کلان ، عواید محدود ، قحطی و گرسنگی مردم باعث تضعیف قدرت سیاسی و تشدید نارضایتی عمومی در جامعه شد .  
روس : در آغاز قرن بیستم بین از جنگ جهانی چهارم رکود اقتصادی بوده و اوضاع کثافت کاری نامطلوب و قحطی مریباری حاکم بود .

ایران : او از رژیم پهلوی ، مطلوبترین سطح از قدرت اقتصادی نسبت به قبل وجود داشت که در این امر افزایش قیمت نفت بسیار موثر بود . مقروض هم نبود . ذخایر ارزی قابل توجهی نیز وجود داشت .

عوامل نظامی :

فرانسه : در انزلیت هایی که در جنگ ها احتمال شده بود ، کاملاً ضعیف بود و حمایت خود را از پادشاه فرانسه برداشته بود .

روس ها : قدرتشان متزلزل شده بود ، که این در انزلیت های متدور در جنگ ها بود . وقوع جنگ جهانی اول نیز خلاصی راه ارتش از هم پاشیده روس شلیک کرد و زمینه پیروزی انقلاب فراهم شد .

ایران : ارتش ایران برخلاف فرانسه و روسیه ، طی پنج دهه آخر حکومت در هیچ جنگ مهمی شرکت نکرده و شاه نیز به عنوان فرمانده کل قوا ، به قوای مسلح بسیار توجه داشت .

حمایت بین المللی :

فرانسه : قرن هجدهم قرن اصطکاک و جنگ های بیار در اروپا بود . لویی شانزدهم علی رغم خوشنودی با پادشاهان دیگر اروپا مورد حمایت آنها قرار نگرفت .

روس : آخرین تزار روسیه که چه در یک اتحادیه نظامی شرکت داشت ، نه تنها مورد حمایت و کمک بین الملل قرار نگرفت ، که جناح های انقلابی توانستند حمایت های بین المللی را به سمت خود جلب کنند .

ایران : در دهه پنجاه از نظر حمایت بین المللی در مطلوبترین موقعیت بود . هم از سوی شوروی و هم آمریکا و اروپایان از رژیم پهلوی حمایت می کردند .

## قدرت اجتماعی :

فرانسه: میزان مشارکت مردم در سقوط نظام فرانسه به یک درصد مردم که اکثر اشراف و بورژواها بودند، می‌رسد. ضعف لویی نوزدهم در سقوط موثر بود.

روس: اقلیت معدودی از کارگران کارخانجات با اعتصابشان و اعتدال سربازان نقطه شروع انقلاب در سمرقند بود و در پی آن نیز مسکو سقوط کرد.

ایران: سابقه مبارزات مردمی از سال ۱۳۴۲ با مشارکت اکثر مردم در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ادامه یافت و تمام اقشار مردم اعم از کارگران، کارمندان، دانشجویان، حوزویان و مبارزان حضور فعالی در مبارزه داشتند. مبارزات منحصر به تهران نبود و فعالان در نقاط مختلف کشور ادامه داشت.

## رهبری :

فرانسه: کادر رهبری مشخص وجود نداشت و حوادث و بحران‌ها حرکت انقلابی را رقم می‌زد.

روس: رهبری خاصی وجود نداشت. هر چند هم گروهها ادعای رهبری انقلاب را دارند.

ایران: رهبری در ایران نقش محوری داشت. با نژده سال مبارزه قبل از پیروزی و ده سال پس از انقلاب رهبری نقش بی‌ارزش نگذاشته است.

## ایدئولوژی :

فرانسه: پیام گذار انقلاب بهار در جهان بود و بر مبنای "لیبرالیم"، نظام استبدادی مذهبی کتیبار افقی کرده، حاکمیت را از خدا و پادشاه گرفته و به مردم داد. اومانیم و فردگرایی محور اصلی ایدئولوژی انقلاب فرانسه بود.

روس: افکار و اندیشه‌های سوسیالیستی، به ویژه "مارکس" و "لنین" در شکل‌گیری احزاب و گروههای سیاسی در روسیه نقش اساسی داشت.

ایران: اسلام و تفکرات دینی محور اصلی ایدئولوژی انقلاب در ایران بود.

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی به پیروزی رسید.

انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ به پیروزی رسید.

انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی به پیروزی رسید.